

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته



# به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

انصراف اُموی  
ریشه تفکر وهابی

۶ تیر ۱۳۸۶

۱۲ جمادی الثانی ۱۴۲۸

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلّى الله على سيّدنا محمّد وآله الطاهرين

ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

« قال الله الحكيم في محكم كتابه أَعُوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ »

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾<sup>(۱)</sup> .

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و وسیله‌ای برای تقرب به او بجویید و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار شوید .

### چکیده سخن :

در جلسات گذشته بیان نمودیم که حضرات معصومین علیهم‌السلام و بعضی از اولیای الهی از جانب خداوند متعال دارای قدرت تصرف در عالم خلقت و آفرینش هستند . سپس به مسأله توسل و شفاعت پرداختیم و شبهات ابن تیمیّه و پیروان وی را نقل و نقد نمودیم . بر اساس آیات صریح قرآن کریم ثابت کردیم که استمداد و استعانت از صاحبان قدرتی که در قید حیات هستند ، هیچ اشکالی ندارد . اگر آنان دار فانی را وداع گویند و در سرای جاوید سکنی گزینند ، استمداد از

۱-سوره مائده، آیه ۳۵ .

آنان همانند دوره حیاتشان امری غریب و نادرست نمی‌باشد. به طور خلاصه صاحبان قدرت در حیات و ممات دارای قدرت تصرف در عالم خلقت هستند و تقاضا و عرضه حاجت به آنان در هر دو دوره حیات و ممات اشکالی ندارد. اعتقاد به این امر به هیچ وجه منتهی به شرک نمی‌گردد.

### قرآن و حیات برزخی مردگان:

بر اساس آیات قرآن کریم، موت به معنای نابودی و انعدام نیست، بلکه انتقال از منزلی به منزل دیگر است. انسانها پس از مرگ دارای حیات برزخی هستند. برای تأیید این مطلب آیات فراوانی در قرآن کریم وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌نماییم.

#### الف - شهدا بهره‌مندان برزخ:

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنَّ لَأَنْ تَشْعُرُونَ﴾<sup>(۱)</sup>.

و به آنها که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نگوئید، بلکه آنان زنده‌اند ولی شما نمی‌فهمید.

و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ \* فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ

۱-سوره بقره، آیه ۱۵۴.

خَلْفِهِمْ إِلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١﴾ .

(ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته می شوند مردگانند، بلکه آنان زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند \* آنها به خاطر نعمتهای فراوانی که خداوند از فضل خود به ایشان بخشیده است، خوشحال اند و به خاطر کسانی که هنوز به آنها ملحق نشده اند (مجاهدان، شهیدان آینده) خوش وقتند، (زیرا مقامات برجسته آنها را در جهان می بینند و می دانند) که نه ترسی بر آنها است و نه غمی خواهند داشت .

خداوند متعال به صراحت و روشنی در این آیه می فرماید: شهدا از رزق و روزی برخوردار و بهره مند هستند، از آن چه خداوند به آنها داده است شاد می باشند، راه را به کسانی که هنوز نیامده اند نشان داده و به آنها بشارت و مژده می دهند و بیم و هراسی ندارند .  
از این دو آیه در می یابیم که شهدا پس از شهادت نابود نمی شوند، بلکه در عالم برزخ نیز دارای حیات و زندگی می باشند .

### ب - آرزوی میت در عالم برزخ:

خداوند متعال در قرآن می فرماید:

﴿إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ \* قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ \* بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ﴾ (۲) .

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۷۰-۱۶۹ .

۲- سوره یس، آیات ۲۷ تا ۲۵ .

من به پروردگارتان ایمان آوردم، پس به سخنان من گوش فرادهید \*  
 به او گفته شد: وارد بهشت شو، گفت: ای کاش قوم من می دانستند \*  
 که پروردگارم مرا آمرزیده و از گرامیان قرار داده است.  
 در این آیه خداوند متعال می فرماید: هنگامی که میت را در قبر می گذارند،  
 وی می گوید: من به خداوند ایمان دارم. سپس ملائکه به او می گویند: وارد  
 بهشت شو، وی در پاسخ می گوید: ای کاش قوم من می دانستند که پروردگار مرا  
 آمرزیده و از گرامیان قرار داده است.

آیه فوق به اقرار همه مفسران قرآن کریم به عالم برزخ اشاره دارد. زیرا از  
 این که میت می گوید: « یا لیت قومی یعلمون » در می یابیم که این سخن اشاره به  
 روز قیامت ندارد. زیرا در قیامت همه از حال یکدیگر آگاه هستند. به همین دلیل  
 حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند:

« فلا تفضحني يوم القيامة على رؤوس الأشهاد »<sup>(۱)</sup>.

بارالها! روز قیامت در برابر دید همگان، رسوایم مکن.  
 در نتیجه از این آیه که اشاره به عالم برزخ دارد و از آرزوی میت متوجه  
 می شویم که در برزخ نوعی حیات و آگاهی وجود دارد.

### ج - عذاب فرعونیان در برزخ:

در آیه ای دیگر خداوند متعال می فرماید:

﴿ فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَّا مَكْرُوا وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ \* النَّارُ  
 يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ  
 الْعَذَابِ ﴾<sup>(۲)</sup>.

۱- بحار الانوار، جلد ۹۱ صفحه ۹۷.

۲- سوره غافر، آیات ۴۶-۴۵.

خداوند او را از نقشه‌های سوء آنان نگه داشت، و عذاب شدید بر آل فرعون وارد شد \* آتش است که هر صبح و شام بر آن عرضه می‌شوند، و روزی که قیامت برپا شود (می‌فرماید): آل فرعون را در سخت‌ترین عذابها وارد کنید.

این آیه به دو دلیل اشاره به عالم برزخ دارد.

۱ - در این آیه خداوند متعال می‌فرماید: آتش روز و شب بر آل فرعون عرضه می‌شود. در قیامت روز و شب وجود ندارد. در نتیجه منظور از عذابی که روز و شب بر آل فرعون عرضه می‌شود، عذاب در عالم برزخ است.

۲ - عذابی که در صدر آیه ذکر شده است بر عذاب عالم برزخ دلالت دارد. زیرا در انتهای آیه به عذاب روز قیامت اشاره شده است. اگر هر دو عذاب دلالت بر عذاب قیامت داشته باشد، تکرار لازم می‌آید که از نظر بلاغت پسندیده نیست.

#### د - داستان قوم حضرت صالح علیه السلام:

خداوند متعال در سوره اعراف داستان پیامبرانی را ذکر می‌نماید که قوم آنان در اثر عذاب الهی نابود شده‌اند. در این آیات پیامبران اقوام نابود شده را مخاطب قرار داده با آنان سخن می‌گویند. این امر بر عدم تساوی مرگ و انعدام دلالت دارد. به عبارت دیگر مردگان نیز دارای حیاتی خاص به خود می‌باشند.

حضرت صالح علیه السلام به قوم خود فرمودند: این شتر معجزه‌ای از سوی پروردگار می‌باشد، آزاری به او نرسانید. اما آنان به این هشدار بی توجهی نمودند.

﴿فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يَا صَالِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ

مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١﴾ .

سپس ناقه را پی کردند و از فرمان پروردگارشان سرپیچیدند و گفتند: ای صالح! اگر تو از فرستادگان خدا هستی، آن چه ما را با آن تهدید می‌کنی، بیاور.

پس از اینکه شتر را پی کردند، حضرت صالح علیه السلام آنان را نفرین کرد.  
﴿فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثِيمِينَ \* فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولًا مِّن رَّبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِن لَّا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ﴾ (٢).

سرانجام زمین لرزه آنها را فراگرفت و صبحگاهان، جسم بی جانشان در خانه هایشان باقی مانده بود \* (صالح) از آنها روی برتافت و گفت: ای قوم! من رسالت پروردگارم را به شما ابلاغ کردم. شرط خیر خواهی را انجام دادم، ولی شما خیر خواهان را دوست ندارید.  
پس از آن که همه به سبب زلزله نابود شدند، حضرت صالح علیه السلام به آنان پشت کرد و فرمود: من به وظیفه خود عمل نمودم اما شما خیر خواهان و اندرزگویان را دوست ندارید.

در این آیه: ۱ - حضرت صالح علیه السلام با قوم خود که هلاک شده‌اند، سخن می‌گوید. یعنی آنان از بین نرفته‌اند و نابود نشده‌اند، بلکه فقط دارای حیات دنیوی و مادی نمی‌باشند.

۲ - حضرت صالح علیه السلام به آنان می‌فرماید: « لا تحبُّون الناصحين »، این

۱- سوره اعراف، آیه ۷۷.

۲- سوره اعراف، آیات ۷۹-۷۸.



سخن، زمان حال را نیز در بر می‌گیرد و به این معناست که شما در عالم برزخ که حقایق آشکار گشته است نیز حاضر به اعتراف و اذعان به حق نیستید. کسی که معدوم و نابود شده باشد، چگونه حقیقتی بر وی آشکار می‌گردد که به آن اعتراف نماید؟

### عمر (علیه ما علیه) و عدم اعتراف به اشتباه:

متأسفانه برخی از مردم شهامت و جسارت آن را ندارند که به اشتباهات خود اعتراف نمایند. عمر (علیه ما علیه) در اواخر عمر خود از اعمال زشت خود پشیمان گشت. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به او فرمودند: به اشتباهات خود اعتراف کن. اما وی در پاسخ عرض کرد:

«النار ولا العار»<sup>(۱)</sup>.

آتش، نه ننگ.

آتش دوزخ را تحمل می‌کنم و اما خفت در دنیا را هرگز.

### ه - داستان قوم شعیب علیهم السلام:

حضرت شعیب علیه السلام نیز قوم خود را هدایت نمود و به آنان فرمود:

﴿اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾<sup>(۲)</sup>.

ای قوم من! خدا را بپرستید، که جز او معبودی ندارید. دلیل روشنی

۱- مدینه المعاجز، جلد ۲ صفحه ۹۶.

۲- سوره اعراف، آیه ۸۵.

از طرف پروردگارتان برای شما آمده است بنابراین حق پیمانانه و وزن را ادا کنید، و از اموال مردم چیزی نگاهید، و در روی زمین، بعد از آن که (در پرتو ایمان و دعوت انبیاء) اصلاح شده است، فساد نکنید. این برای شما بهتر است اگر با ایمان هستید.

اما آنان سخن وی را نپذیرفتند. نافرمانی و طغیان در برابر خداوند آنان را به عذاب گرفتار نمود.

﴿فَأَخَذْنَاهُمُ الرِّجْفَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ \* فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ آسَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ﴾ (۱).

پس زمین لرزه آنها را فرا گرفت و صبحگاهان بصورت اجساد بی جان در خانه هایشان مانده بودند. پس از آنکه عذاب بر آنان نازل شد. سپس از آنان روی بر تافت و گفت: ای قوم من! من رسالتهای پروردگارم را به شما ابلاغ کردم و برای شما خیرخواهی نمودم، با این حال، چگونه بر حال قوم بی ایمان تأسف بخورم؟! در این آیه نیز حضرت شعیب عَلَيْهِ السَّلَام با قوم خود پس از آن که عذاب الهی بر آنان فرود می آید و همگی از بین می روند، سخن می گوید. آیا سخن گفتن با آنچه معدوم شده و از بین رفته معنایی دارد؟!

**و - پرسش رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَام پیشین :**

﴿وَأَسْأَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ﴾ (۲).

۱- سوره اعراف، آیه ۹۳.

۲- سوره زخرف، آیه ۴۵.

از رسولان که پیش از تو فرستادیم بپرس: آیا غیر از خداوند رحمان

معبودانی برای پرستش قرار دادیم!؟

می‌دانیم در زمان حیات رسول الله ﷺ هیچ پیامبری در قید حیات نبود. از اینکه خداوند متعال به رسول الله ﷺ می‌فرماید: از پیامبران پیشین سؤال نما، در می‌یابیم مرگ مساوی با نابودی و انعدام نیست. زیرا پرسش و سؤال کردن از معدوم و نیست، امکان ندارد.

### ح - سلام خداوند بر پیامبران ﷺ :

خداوند متعال در آیات فراوانی به پیامبران ﷺ سلام و درود می‌فرستد. سلام و درود هنگامی معنا و فائده دارد که شخص دارای حیات باشد، تا از آن بهره‌مند گردد. از سلام خداوند متعال به پیامبران ﷺ در می‌یابیم که حیات فقط شامل حیات دنیوی نیست، بلکه مردگان و کسانی که در این دنیا نیستند از حیات بهره‌مند می‌باشند.

﴿سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ﴾<sup>(۱)</sup>.

سلام بر نوح [علیه السلام] در میان جهانیان باد.

﴿سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ﴾<sup>(۲)</sup>.

سلام بر ابراهیم [علیه السلام].

﴿سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ﴾<sup>(۳)</sup>.

سلام بر موسی [علیه السلام] و هارون.

۱- سوره صافات، آیه ۷۹.

۲- سوره صافات، آیه ۱۰۹.

۳- سوره صافات، آیه ۱۲۰.

﴿سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ﴾<sup>(۱)</sup>.

سلام بر آل یاسین.

﴿وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ﴾<sup>(۲)</sup>.

وسلام بر رسولان.

خداوند در رابطه با حضرت یحییٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید:

﴿وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا﴾<sup>(۳)</sup>.

سلام بر او آن روز که تولد یافت، و آن روز که می‌میرد و آن روز که زنده و برانگیخته می‌شود.

خداوند متعال از زبان حضرت عیسیٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید:

﴿وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا﴾<sup>(۴)</sup>.

و سلام (خدا) بر من در آن روز که متولد شدم. و در آن روز که می‌میرم، و آن روز که زنده و برانگیخته خواهم شد.

اگر مرگ به معنای نیستی و نابودی باشد، سلام به انسان مرده در زمان مماتش معنا ندارد.

#### ط - سلام و صلوات خداوند بر رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :

خداوند متعال و ملائکه بر رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درود می‌فرستند،

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾<sup>(۵)</sup>.

۱-سوره صافات، آیه ۱۳۰.

۲-سوره صافات، آیه ۱۸۱.

۳-سوره مریم، آیه ۱۵.

۴-سوره مریم، آیه ۳۳.

۵-سوره احزاب، آیه ۵۶.

خدا و فرشتگانش بر پیامبر ﷺ درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و سلام گوید، و کاملاً تسلیم (فرمان) او باشید.

آیا سلام و صلوات خداوند بر پیامبر ﷺ مختص به زمان حیات دنیوی رسول الله ﷺ است یا دائمی و همیشگی می‌باشد؟ ظاهراً ابن تیمیه و پیروان وی اعتقاد دارند که احکام اسلام دائمی و همیشگی است. بنابر این سلام خداوند متعال و ملائکه نیز دائمی و همیشگی است.

همه فرق اسلامی در پایان نماز (هنگام سلام) می‌گویند: «السلام عليك أيها النبي ورحمة الله وبركاته»<sup>(۱)</sup> برخی از اهل سنت نیز در هنگام سلام نماز با حرکت دادن انگشت خود به پیامبر ﷺ اشاره می‌کنند.

سلام بر کسی که از بین رفته است هیچ مفهومی ندارد. پس سلام بر پیامبر ﷺ سلام بر معدوم نیست بلکه سلام بر زنده‌ای است که فقط دارای حیات دنیوی نیست.

### نتیجه‌گیری از آیات قرآن کریم:

با توجه به آیاتی که از قرآن کریم ذکر نمودیم گریز و گزیری نداریم از این که بپذیریم مرگ به معنای نیستی و انعدام نیست. تأمل و تدبّر در قرآن کریم ما را به این مسأله هدایت می‌کند که مرگ، به معنای سقوط از مطلق حیات نیست بلکه انتقال از منزلی به منزل دیگر است. بعد از مرگ روح از بین نمی‌رود و همچنان باقی است.

۱- تذکره الفقهاء، جلد ۳ صفحه ۲۴۴.

با توجه به مطالبی که تا کنون بیان نمودیم پی می‌بریم کسانی که خداوند به آنان قدرتها و تواناییهایی عطا نموده است، در حیات و ممات از آن قدرتها و ویژگیها برخوردار هستند و ما همچنان که می‌توانیم از آنان در حیات استمداد و استعانت بجوییم، در ممات نیز می‌توانیم و شائبه شرک به هیچ روی در استمداد از آنان وجود ندارد زیرا قدرت آنان در طول قدرت الهی و به اذن خداوند می‌باشد. اما شرک منهی در قرآن، قائل شدن به قدرتهایی در عرض قدرت الهی است.

### ادّعی بی اساس و هائیان:

پیروان ابن تیمیّه ادعای گزاف و بی اساسی دارند و می‌گویند:

« لم يكن لأحدٍ من سلف الأمة في عصر الصحابة ولا التابعين ولا تابع التابعين يستخرون الصلاة والدعاء عند قبور الأنبياء ويسئلونهم ويستغيثون بهم لا في مغيبهم ولا عند قبورهم »<sup>(۱)</sup>.

هیچ یک از گذشتگان نه در عصر صحابه<sup>(۲)</sup> و نه تابعین<sup>(۳)</sup> و نه تابع تابعین قبر انبیاء را برای نماز خواندن و دعا کردن انتخاب نمی‌کردند و هیچ وقت نه در هنگام غیبت و نه در نزد قبرشان از آنان حاجت نمی‌خواستند و التماس و زاری نمی‌کردند.

### نقد ابن تیمیّه:

این یک ادّعی تاریخی است که بنابر فرض صحّت، با آیات صریح قرآن

۱- الهدایة السنیة، صفحه ۱۶۲ طبع المنار مصر.

۲- کسانی که پیامبر ﷺ را درک کرده‌اند.

۳- کسانی که پیامبر ﷺ را درک نکرده‌اند اما صحابه را درک کرده‌اند.

کریم در تعارض است. از سوی دیگر به لحاظ تاریخی نیز ادعای آنان مقرون به صحت نمی‌باشد، زیرا در جلسات گذشته بیان نمودیم که صحابه در صدر اسلام کنار روضه مبارکه رسول الله ﷺ آمده دعا می‌کردند و حاجت می‌خواستند، و کامروا می‌گشتند. شفا طلبیدن، شفاعت خواستن و حاجت خواهی از رسول الله ﷺ در حیات و ممات ایشان یک سنت جاری و عادی در میان صحابه بوده است.

روایات فراوانی در منابع معتبر اهل تسنن یافت می‌شود که ادعای ابن تیمیه و وهابیان را ابطال می‌نماید و ما به برخی از آنها اشاره می‌نماییم.

### الف - طلب آمرزش نزد روضه رسول الله ﷺ :

اهل تسنن در کتب خود روایتی از حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام نقل می‌نمایند که :

« قَدَّم عَلَيْنَا أَعْرَابِي بَعْدَمَا دَفَنَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ بِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ؛

سه روز پس از تدفین رسول الله ﷺ عربی نزد ما آمد.

« فَرَمَى بِنَفْسِهِ عَلَيَّ قَبْرَ النَّبِيِّ ﷺ وَحَثَّ مِنْ تَرَابِهِ عَلَيَّ رَأْسَهُ . وَقَالَ : يَا

رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَلْتُ فَسَمِعْنَا قَوْلَكَ وَوَعَيْتَ عَنِ اللَّهِ فَوَعَيْنَا عَنكَ ؛

پس خود را بر قبر رسول الله ﷺ انداخت و خاک بر سر خود

ریخت. عرض کرد: ای رسول خدا ﷺ فرمودی و ما سخنانت را

شنیدیم و ما را از خداوند آگاه کردی و ما آگاه شدیم.

وَكَانَ فِيهَا أَنْزَلَ عَلَيْكَ ﴿ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ

وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوْ جَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا ﴿١١﴾؛

و از آن چه بر تو نازل شد این آیه شریفه بود: و اگر هنگامی که به خویشتن ستم کردند نزد تو می آمدند و از خداوند آمرزش می خواستند و پیامبر هم بر ایشان آمرزش می خواست، خداوند را توبه پذیر مهربان می یافتند.

وقد ظلمت نفسي وجئتك تستغفري؛

بدرستی که من به خود ستم کرده ام و نزد تو آمده ام که برای من طلب آمرزش نمایی.

فنودي من القبر إنه قد غفر لك ﴿٢﴾.

ندایی از روضه رسول الله ﷺ برخاست که آمرزیده شدی.

### ب - طلب باران در روضه رسول الله ﷺ:

در روایتی آمده است که:

«أصاب الناس قحط في زمن عمر ابن الخطاب فجاء رجل إلى قبر

النبي ﷺ فقال: يا رسول الله ﷺ استسق الله تعالى لأمتك فإنهم قد

هلكوا، فأتاه رسول الله ﷺ في المنام... وأخبره أنهم يسقون» (٣).

در زمان عمر [علیه ما علیه] خشکسالی و قحطی به مردم روی آورد،

شخصی به نزد روضه رسول الله ﷺ رفت و عرض کرد: ای

رسول خدا ﷺ از خداوند برای مردم باران طلب نما زیرا آنان

۱- سوره نساء، آیه ۶۴.

۲- کنز العمال، جلد ۴ صفحه ۲۵۹.

۳- کنز العمال، جلد ۸ صفحه ۴۳۱- فتح الباری، جلد ۲ صفحه ۴۱۲- استیعاب، جلد ۳ صفحه



هلاک شدند، و آن شخص رسول الله ﷺ را در خواب دید... که به او خبر دادند باران خواهد آمد.

ما از این روایات در می‌یابیم که تلقی اصحاب رسول الله ﷺ از حاجت خواهی چه بوده است. آنان بسیار عادی و طبیعی، بدون اینکه شبهه شرک و... به ذهن آنان خطور نماید، کنار روضه رسول الله ﷺ حاضر می‌شدند و حاجتهای خود را طلب می‌کردند.

### ج - گفتگوی مالک و منصور دوانیقی:

مالک ابن انس که یکی از امامهای چهارگانه اهل تسنن است روزی در مسجد رسول الله ﷺ در مدینه نشسته بود که منصور دوانیقی وارد می‌شود و مالک به وی می‌گوید:

«یا أمیر المؤمنین! لا ترفع صوتک فی هذا المسجد فإن الله تعالی أدب قوماً فقال: ﴿لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ﴾<sup>(۱)</sup>؛

ای منصور! صدایت را در این مسجد بالا نبر، خداوند گروهی را ادب کرد و فرمود: ای کسانی که ایمان آورده‌اید صداهایتان را از صدای پیامبر بلندتر مسازید.

و مدح قوماً فقال: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَعْضُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى﴾<sup>(۲)</sup>؛

و گروهی را مدح کرد و فرمود: کسانی که صداهایشان را نزد پیامبر خدا [ﷺ] آهسته می‌دارند، خداوند دل‌هایشان را برای تقوا خالص نموده.

۱- سوره حجرات، آیه ۲.

۲- سوره حجرات، آیه ۳.

وَذَمَّ قَوْمًا قَالُوا: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنَ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾<sup>(۱)</sup>.

و گروهی را مذمت کرد و فرمود: کسانی که تو را از پشت در حجره‌ها صدا می‌زنند بیشترشان نا بخردند.

و این حرمتی است که حرام است؛

و حرمت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ممانعت همانند حرمت ایشان در حیات است.

و قال: يا أبا عبد الله أستقبل القبلة وأدعو أم أستقبل رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟

منصور گفت: ای مالک به سمت قبله دعا بخوانم یا به سوی روضه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

فقال: ولم تصرف وجهك عنه؟ وهو وسيلتك ووسيلة أبيك آدم عَلَيْهِ السَّلَام إلى الله تعالى يوم القيامة<sup>(۲)</sup>.

مالک گفت: چرا روی خود را از روضه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بازگردانی؟ او وسیله تو و وسیله پدرت حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام در روز قیامت نزد خداوند متعال می‌باشد.

#### د - شفا خواستن از روضه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :

اهل تسنن در کتب خود در مورد ابن ابی المنکدر<sup>(۳)</sup> چنین نقل می‌کنند:

كان يجلس مع أصحابه قال: وكان يصيبه الصّمات؛

۱- سوره حجرات، آیه ۴.

۲- وفاء الوفا، جلد ۴ صفحه ۱۳۷۶.

۳- در گذشته به سال ۱۳۰ هجری قمری و از تابعین به شمار می‌آید.

ابن ابی المنکدر همراه با دوستان خود می نشست و ناگهان ساکت می شد.

فكان يقوم كما هو يضع خده على قبر النبي ﷺ ثم يرجع ، فعوتب في ذلك ،

همچنان که ساکت بود از جای بر می خواست و گونه اش را به روضه رسول الله ﷺ می گذاشت . پس بر این کار مورد سرزنش قرار گرفت .

فقال : إني ليصيني خرة فإذا وجدت ذلك استشفيت بقبر النبي ﷺ ؛

در پاسخ گفت : وقتی احساس خطر می کنم ، از روضه رسول الله ﷺ طلب شفا می کنم .

وكان يأتي موضعاً من المسجد في الصحن فيتمرغ فيه ويضطجع ؛

وی به جایی در مسجد خود را می مالید و به پهلو دراز می کشید .

فقليل له في ذلك فقال : إني رأيت النبي ﷺ في هذا الموضع «<sup>(۱)</sup>» .

از این کار وی از او پرسیدند ، در پاسخ گفت : من رسول الله ﷺ را در این جا دیدم .

#### هـ- احترام شافعی به اهل بیت علیهم السلام :

اهل سنت در کتب مختلف خود ذکر کرده اند که ، احمد ابن حنبل و شافعی

که هر دو از امامان مذاهب اهل سنت هستند به اهل بیت علیهم السلام احترام

می گذاشتند . شافعی در رابطه با اهل بیت علیهم السلام می گوید :

«آل النبي ذریعتي وهم إليه وسيلتي»<sup>(۱)</sup>.

اهل بیت پیامبر ﷺ در ریچۀ و روزنۀ و واسطۀ من نزد خداوند هستند.

**و - حضرت زهرا علیها السلام و سوگواری بر پدر صلی الله علیه و آله و سلم :**

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«لَمَّا رَمَسَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم جَاءَتْ فَاطِمَةُ علیها السلام فَوَقَفَتْ عَلَى

قَبْرِهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَأَخَذَتْ قَبْضَةً مِنْ تَرَابِ الْقَبْرِ وَوَضَعَتْ عَلَى عَيْنَيْهَا وَبَكَتْ

وَأَنْشَأَتْ تَقُولُ».

هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فوت نمودند، حضرت فاطمه علیها السلام نزد

روضۀ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و یک مشت خاک از روی روضۀ

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم برداشتند و بر چشم خود نهادند و گریه کردند و

چنین سرودند:

مَاذَا عَلِيٌّ مِنْ شَمِّ تَرْبَةِ أَحْمَدَ أَنْ لَا يَشُمَّ مَدَى الزَّمَانِ غَوَالِيَا

صَبَّبْتُ عَلِيٍّ مِصَائِبَ لَوْ أَنَّهَا صَبَّبْتُ عَلَى الْأَيَّامِ صِرْنَ لِيَالِيَا<sup>(۲)</sup>

اگر کسی خاک احمد صلی الله علیه و آله و سلم را ببوید، دیگر نباید تا آخر الزمان

عطری ببوید، بر من مصائبی فرود آمد که اگر آنها بر روزها می آمد

شب می شدند.

**ح - صحابه و احترام به روضۀ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم :**

اهل تسنن نقل می کنند که:

«إِنَّ ابْنَ عَمْرٍو كَانَ يَضَعُ يَدَهُ الْيَمْنَى عَلَى الْقَبْرِ الشَّرِيفِ وَإِنَّ بِلَالاً وَضَعُ

۱- از منابع اهل تسنن: ينابيع المودة لذوي القربى، جلد ۲ صفحه ۴۶۸.

۲- بحار الانوار، جلد ۷۹ صفحه ۱۰۶ - از منابع اهل تسنن بنگرید به المغني، جلد ۲ صفحه

۴۱۱ و شرح الكبير، جلد ۲ صفحه ۴۳۰.

خذيّه عليه ايضاً»<sup>(۱)</sup>.

فرزند عمر دست راست خود را بر روضه رسول الله ﷺ می گذاشت و بلال دو گونه خود را بر روضه رسول الله ﷺ قرار می داد.

روزی مروان (لعنه الله) شخصی را دید که صورتش را بر روضه مبارکه رسول الله ﷺ گذاشته است، گردن او را گرفت و به وی گفت: می دانی چه می کنی؟ آن شخص (ابو ایوب انصاری) در پاسخ گفت:

«جئت رسول الله ﷺ ولم آت الحجر؛

من به نزد سنگ نیامده ام، بلکه به نزد رسول الله ﷺ آمده ام.

سمعت رسول الله ﷺ يقول: لا تبكوا على الدين إذا وليه أهله ولكن ابكوا على الدين إذا وليه غير أهله»<sup>(۲)</sup>.

شنیدم رسول الله ﷺ فرمودند: بر دین اگر در دست اهلس بود گریه نکنید، اما اگر دین به دست نا اهل افتاد بر او بگریید.

### پیروی از سنت چه کسانی؟

سخن ما با ابن تیمیّه، وهابیان و پیروان آنان این است که: سنت رسول الله ﷺ را از چه کسی باید بگیریم؟ از ابو ایوب انصاری رضی الله عنه یا مروان

۱- الغدير، جلد ۵ صفحه ۱۵۱- از منابع اهل تسنن بنگرید به: سبيل الهدى والرشاد، جلد ۱۲ صفحه ۳۹۸.

۲- از منابع شیعه بنگرید به الغدير، جلد ۵ صفحه ۱۴۸- از منابع اهل تسنن بنگرید به مسند احمد، جلد ۵ صفحه ۴۲۲- مستدرک حاکم، جلد ۴ صفحه ۵۱۵.

حکم (لعنه الله)؟

ابو ایوب انصاری میزبان رسول الله ﷺ در مدینه بود. هنگامی که رسول الله ﷺ به مدینه هجرت کردند، مردم مدینه می‌خواستند میزبان رسول الله ﷺ باشند، اما ایشان فرمودند:

«دعوا الناقة فإنَّها مأمورة».

شتر را رها کنید او مأمور است [راهش را می‌داند].

و شتر رسول الله ﷺ کنار درب خانه ابو ایوب انصاری نشست<sup>(۱)</sup>.

اما مروان حکم چه کسی بود؟

پدر مروان، حکم ابن العاص (لعنه الله) پشت رسول الله ﷺ حرکت می‌کرد و ایشان را مسخره می‌کرد. روزی رسول الله ﷺ به پشت خود نگرسته و حکم ابن العاص را در حال تمسخر دیدند و فرمودند:

«كن كذلك».

همین گونه باش.

پس از این سخن، وی تا آخر عمر همانطور ماند<sup>(۲)</sup>.

اما مروان (لعنة الله) بوسیله رسول الله ﷺ تبعید شده بود. حتی ابو بکر و عمر (لعنهما الله) نیز جرأت نکردند او را به مدینه بیاورند، اما عثمان (لعنه الله) او را به مدینه باز گرداند، زیرا هر دو اموی بودند.

۱- مناقب شهر آشوب، جلد ۱ صفحه ۱۱۵ - از منابع اهل تسنن بنگرید به البدایة والنهاية، جلد ۳ صفحه ۲۹۴.

۲- از منابع اهل تسنن بنگرید به البدایة والنهاية، جلد ۶ صفحه ۱۸۹، الأصابة، جلد ۲ صفحه ۹۱.

ابن تیمیّه و پیروان وی به دروغ می‌گویند که از سنت رسول الله ﷺ تبعیت می‌کنند. اگر نیک بنگریم آنان پیروان راستین بنی امیه هستند. افکار آنان ریشه در افعال و کردار بنی امیه دارد. اما شیعیان به حسب ظاهر از صحابه جلیل القدر رسول الله ﷺ پیروی می‌کنند، و اگر با دقت و تأمل بنگریم به دستور و فرمان قرآن کریم عمل می‌نمایند.

روایات فراوانی در کتب اهل سنت وجود دارد که بیان می‌کند، مردم با نماز خواندن و نزدیک شدن به روضه رسول الله ﷺ خود را متبرک می‌کردند.

هنگامی که پیامبر ﷺ به حجّ مشرف شدند، مردم در منی موهای رسول الله ﷺ را برای تبرک نزد خود نگهداری می‌کردند<sup>(۱)</sup>. می‌گویند در موزه‌ای در ترکیه مقداری از موهای رسول الله ﷺ نگهداری می‌شود.

### توسل به قبر شافعی:

ابن حجر یکی از علمای اهل تسنن است. وی در کتابی که در رابطه با فضایل ابو حنیفه نوشته است، آورده:

إنّ الإمام الشافعيّ أيام كان هو ببغداد كان يتوسّل بالإمام أبي حنيفة و يجيبني إلى ضريحه، يزور فيسلّم عليه ثمّ يتوسّل إلى الله تعالى به في قضاء حاجاته؛

شافعی روزهایی که در بغداد بود به ابو حنیفه توسّل می‌کرد. به قبر وی می‌آمد، او را زیارت می‌کرد و به او سلام می‌داد و بوسیله

۱- عمدة القاري، جلد ۳ صفحه ۳۷.

ابو حنیفه برای رواگشتن حاجاتش به خدا توسل می‌کرد.  
 أَنَّ الْإِمَامَ أَحْمَدَ تَوَسَّلَ بِالْإِمَامِ الشَّافِعِيِّ حَتَّى تَعَجَّبَ ابْنَهُ، فَقَالَ لَهُ أَبُوهُ: إِنَّ  
 الشَّافِعِيَّ كَالشَّمْسِ لِلنَّاسِ»<sup>(۱)</sup>.

احمد ابن حنبل نیز به قبر شافعی توسل می‌کرد، بگونه‌ای که پسر  
 احمد از کار پدر متعجب شد، و پدرش به وی گفت: شافعی مانند  
 خورشیدی برای مردم است.

### عملکرد پیروان ابن تیمیّه پس از هرگه وی:

پیروان ابن تیمیّه از این که مسلمانان گرفتار شرک شوند بسیار هراسناکند،  
 و هر گونه توسل، شفاعت و احترام به قبور مطهر ائمه عليهم السلام را شرک می‌دانند، اما  
 هنگامی که ابن تیمیّه از دنیا رفت، چه کردند؟

«إِنَّ يَوْمَ وَفَاتِهِ كَانَ مَشْهُوداً ضَاقَتْ الطَّرِيقُ لِحِجَازِ تَهٍ وَأَنْتَهَى بِهَا النَّاسُ مِنْ  
 كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ وَاشْتَدَّ الزَّحَامُ».

هنگامی که ابن تیمیّه مُرد، تشییع با شکوهی داشت، بگونه‌ای که راه  
 برای حرکت جنازه تنگ شده بود و مردم از هر جا آمده بودند و بسیار  
 شلوغ بود.

والتقي الناس على نعشه مناديلهم و عمائمهم للتبرك ... وكسرت أعرود  
 سريره لكثرة تعلق الناس به و شربوا ماء غسله للتيمن»<sup>(۲)</sup>.

۱- الغدير، جلد ۵ صفحه ۱۹۴ به نقل از خيرات الحسان ابن حجر.

۲- الكنى واللقاب، جلد ۱ صفحه ۲۳۷ - از منابع اهل تسنن بنگرید به البداية والنهاية، جلد  
 ۱۴ صفحه ۱۵۶.



و مردم بر نعش وی دستمالها و عمامه‌هایشان را برای تبرک  
انداختند... به دلیل ازدحام جمعیت و علاقه مردم به وی، تابوت  
شکست و مردم برای تبرک آب غسل وی را نوشیدند.

بسیار عبرت آور است. به نص صریح قرآن و روایات صحیح فراوان  
توسّل، شفاعت و استمداد از کسانی که خداوند به آنان قدرتهای ویژه‌ای عطا  
نموده است و معصوم و پاکیزه‌اند کاری پسندیده محسوب می‌شود، اما این کار از  
نظر وهابیتون شرک شمرده می‌شود ولی از طرف دیگر نوشیدن آب غسل  
ابن تیمیّه با نگاه وهابیتون عین توحید است!

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

## خود آزمایی:

- ① با استناد به آیات قرآن کریم حیات در عالم برزخ را اثبات نمایید.
- ② با توجه به گفتگوی حضرت صالح علیه السلام و حضرت شعیب علیه السلام با قوم خود حیات برزخی را اثبات نمایید.
- ③ چرا سلام خداوند متعال به پیامبران علیهم السلام دلالت بر حیات برزخی دارد؟
- ④ ادّعی پیروان ابن تیمیّه را نقل و نقد نمایید.
- ⑤ چرا عمر (علیه ما علیه) به اشتباهات خود اعتراف نکرد؟
- ⑥ با استفاده از گفتگوی مالک با منصور ادّعی وهابیان را نقد کنید.
- ⑦ حضرت زهرا علیها السلام در سوگ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم چه کردند؟
- ⑧ ابو ایوب انصاری رضی الله عنه و مروان (لعنه الله) را معرفی کنید.
- ⑨ وهابیان در واقع از سنت چه کسی پیروی می‌کنند؟
- ⑩ نمونه‌ای از توسل ائمه مذاهب اهل سنت به قبور را ذکر کنید.
- ⑪ پیروان ابن تیمیّه در مرگ وی چه کردند؟



... بسیار عبرت آور است . به نص  
صریح قرآن و روایات صحیح فراوان  
توسّل ، شفاعت و استمداد از کسانی که  
خداوند به آنان قدرتهای ویژه ای عطا  
نموده است و معصوم و پاکیزه اند کاری  
پسندیده محسوب می شود ، اما این کار از  
نظر وهابیون شرک شمرده می شود ولی از  
طرف دیگر نوشیدن آب غسل این تیمّه با  
نگاه وهابیون عین توحید است !  
( صفحه ۲۵ از همین جزوه )

[www.yasrebi.ir](http://www.yasrebi.ir)

پست الکترونیک : [info@yasrebi.ir](mailto:info@yasrebi.ir)

**محل برگزاری جلسات :**

کاشان : حسینیه مرحوم آیت الله یثربی رحمته الله علیه

تلفن : ۴۴۴۳۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ نمایر : ۴۴۴۹۹۳۳

به سوی معرفت ۱۷

۶